

Participation of Civil Society in the Prevention of Terrorism (with Emphasis on the Role of Community-Based Policing)

Hossein Gholami¹, Shideh Emami Sadr²

Received: 2020, 09, 08

Accepted: 2021, 03, 15

Abstract

Background and objective: Today, the commission of some crimes has gone in a direction that threatens the security of societies more than before, including the crimes of terrorism, the occurrence of which in any country has affected other countries. Therefore, the attention of the security agency and the police in this regard is a basic necessity. Given the roots of terrorism, which is based on violence and the origin of violence is society, and the definition of comprehensive and participatory plans for the police, this institution can be considered a solution to combat terrorism. Also, the participation of civil society with this institution has been one of the manifestations of the realization of the participatory roles of the community-based policing. Therefore, in this article, the roles that the community-based police with the participation of civil society have been able to perform in the field of terrorism prevention are explained.

Methods: In terms of its objectives the present study is of an applied research type and in terms of method it is descriptive-analytical and the data collection tool was a library method.

Findings: Civil society has been one of the manifestations of the realization of participatory criminal policy, which in interaction with community-based police has been able to better implement a participatory approach in the prevention of the crime of terrorism. Considering the advantages and disadvantages of the presence of community-based police in the prevention of terrorism mentioned in the study and based on other research in this field, police officials prioritize various measures to prevent terrorism, including participatory, executive, legislative and judicial measures for participatory measures.

Results: Findings have shown that considering the capacities of community-based police and the context of civil society participation with this institution, it is possible to explain the roles for the two and in interaction with each other in preventing terrorism and eradicating its roots.

Keywords: Terrorism, Civil society, Non-governmental organizations, Community-based police, Prevention.

1. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Allameh Tabatabaie University, Tehran, Iran. Email: Gholami1970@yahoo.com

2. PhD Candidate in Criminal Law and Criminology, Allameh Tabatabaie University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: shideemami@yahoo.com

Copyright © 2020 Journal of Research Police Science. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-noncommercial 4.0 International License which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages provided the original work is properly cited.

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست و سوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰

صص ۹۷-۶۵

مشارکت جامعه مدنی در پیشگیری از تروریسم (با تأکید بر نقش پلیس جامعه‌محور^۱)

حسین غلامی^۲، شیده امامی صدر^۳

تاریخ دریافت ۹۹/۰۶/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: امروزه ارتکاب برخی جرایم به سمتی رفته که امنیت جوامع را بیش از پیش تهدید کرده، از جمله این جرایم تروریسم است که وقوع آن در هر کشوری سایر کشورها را تحت تأثیر قرار داده است؛ بنابراین توجه دستگاه امنیتی و پلیس در این رابطه یک ضرورت اساسی است. با توجه به ریشه‌های تروریسم که مبتنی بر خشونت بوده و خاستگاه خشونت نیز جامعه است و تعریف نقش‌های جامعه‌ی و مبتنی بر مشارکت برای پلیس، می‌توان این نهاد را راهکاری برای مقابله با تروریسم دانست. همچنین مشارکت جامعه مدنی با این نهاد، یکی از مظاهر تحقق نقش‌های مشارکتی پلیس جامعه‌محور بوده است؛ بنابراین در این مقاله نقش‌هایی که پلیس جامعه‌محور با مشارکت جامعه مدنی توانسته در زمینه پیشگیری از تروریسم انجام دهد، تبیین شده است.

روش: این مقاله از نظر هدف، کاربردی بوده و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی نگارش شده و ابزار گردآوری اطلاعات نیز به روش کتابخانه‌ای بوده است.

یافته‌ها: جامعه مدنی یکی از مظاهر تحقق سیاست جنایی مشارکتی بوده که در تعامل با پلیس جامعه‌محور بهتر توانسته رویکرد مشارکتی در پیشگیری از جرم تروریسم را محقق نماید. با توجه به مزایا و معایب حضور پلیس جامعه‌محور در پیشگیری از تروریسم که در پژوهش اشاره شده و بر اساس پژوهش‌های دیگر صورت گرفته در این زمینه مقامات پلیسی از بین تدابیر مختلف پیشگیری از تروریسم که شامل تدابیر مشارکتی، اجرایی، تقنینی و قضایی است، اولویت را برای تدابیر مشارکتی قائل هستند.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان داده که با عنایت به ظرفیت‌های پلیس جامعه‌محور و بسترهای مشارکت جامعه مدنی با این نهاد می‌توان نقش‌هایی را برای این دو و در تعامل با هم در امر پیشگیری از تروریسم و امحاء ریشه‌های آن تبیین نمود.

واژگان کلیدی: تروریسم، جامعه‌ی مدنی، سازمان‌های مردم نهاد، پلیس جامعه‌محور، پیشگیری

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «مشارکت جامعه مدنی در پیشگیری از جرایم خشونت‌آمیز» است.

۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

رایانامه: Gholami1970@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

رایانامه: shideemami@yahoo.com

مقدمه

تروریسم در دو قرن اخیر رشد فزاینده‌ای یافته است. علت چنین وضعیتی را می‌توان در عوامل متعددی جستجو کرد. در میان این علل، جهانی شدن دارای نقش مضاعف است، چرا که از طرفی قدرت فن‌آورانه تروریست‌ها را افزایش داده و از طرف دیگر زمینه حساسیت و واکنش نسبت به تغییرات فرهنگی و یا حتی نابودسازی فرهنگ‌ها را فراهم کرده است که تروریسم خشن‌ترین واکنش مذکور به آن به شمار می‌رود (عبداللهی و کیهانلو، ۱۳۸۴: ۷۴). این تحولات نه تنها بر میزان و تعداد عملیات تروریستی تأثیر شگرفی گذاشته بلکه سبب شده در دهه‌های اخیر شکل‌های نوینی از سازمان‌های تروریستی پدید بیاید که از نظر ساختار، تاکتیک، ایدئولوژی و هدف با گروه‌های سنتی تروریستی تفاوت دارد (شریفی طراز کوهی و فتح پور، ۱۳۹۶: ۲۲۴). تعداد بالای حملات تروریستی از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ در کشورهای همسایه ایران اهمیت دو چندان این جرم را نشان می‌دهد (عراق ۱۰۰۰۰ مورد، پاکستان ۷۲۰۰ مورد، افغانستان ۶۶۰۰ مورد). کشور ایران علی‌رغم این که بین دو منطقه پر حادثه قرار گرفته، طی این مدت شاهد ۳۵ مورد حادثه تروریستی بوده است؛ بنابراین به دلیل اهمیت این جرم و گستردگی آن که بسیاری از جوامع را درگیر کرده است، یکی از مسائل مهم در این زمینه پیش‌گیری از این جرم است.

پس از اعمال بسیاری از مسیرها در مقابله با تروریسم از روش‌های آزمون و خطا، بسیاری از محققان به این نتیجه رسیده‌اند که از مهم‌ترین راه‌های مبارزه با تروریسم، مبارزه با ایدئولوژی تروریسم است و این موضوع حاصل نمی‌شود جز از راه توسل به شهروندان و اعمال سیاست‌های پلیسی‌گری با محوریت مردم و جامعه (مؤذن‌زادگان، رضوی‌فرد، کوشکی و هاشمی، ۱۳۹۶: ۸). در همین زمینه نهاد پلیس جامعه‌محور تدابیر پیشگیرانه پلیس را وارد مرحله جدیدی کرده که در آن پلیس علاوه بر بهره‌گیری از

ابزارهای ترسیم شده در نظام عدالت کیفری، تلاش می‌کند که از همکاری و مشارکت شهروندان در راستای پیشگیری از جرم استفاده کند (قصری، بازرگان و نوروزی، ۱۳۹۲: ۳۴)؛ و نقش دادن به مردم در نظام عدالت است که اعتماد آن‌ها را جلب نموده و اجرای عدالت را آسان سازد (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۱۷). در مورد جرم تروریسم، با عنایت به این که در زمره جرایم خشونت‌آمیز است و خشونت در بستر اجتماعات کوچک و بزرگ به فرد منتقل می‌شود، پلیس جامعه‌محور با مشارکت شهروندان و جامعه مدنی که از جلوه‌های تحقق سیاست جنایی مشارکتی است، می‌تواند بسترهایی را برای پیشگیری از آن فراهم کند که خود بر مبنای سهم کردن مردم با پلیس در مقابله با تروریسم است. در نهایت فراهم آوردن زمینه برای مشارکت و هم‌یاری نهادهای جامعه‌ی می‌تواند کمک شایانی به پیشبرد سیاست پیشگیری و کنترل جرم در جامعه نماید و پلیس را در انجام وظایف محوله توفیق دهد (بابایی و نجیبیان، ۱۳۸۷: ۸). آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت چگونگی حضور جامعه مدنی و مشارکت آن با پلیس جامعه‌محور در امر پیشگیری از تروریسم است. با این وصف پرسش این است که جامعه مدنی به چه شیوه‌ای می‌تواند در پیشگیری از تروریسم مشارکت کند؟ پلیس جامعه‌محور به چه شیوه‌ای می‌تواند در پیشگیری از تروریسم مشارکت کند؟

مبانی نظری و پیشینه

تروریسم

تعاریف مختلفی از تروریسم در عرصه‌های بین‌المللی و داخلی به‌عمل آمده است. در عرصه داخلی هر چند برخی کشورها در قوانین ملی خود اقدام به تدوین سیاست کیفری در مبارزه با تروریسم کرده‌اند، اما بنا به دلایلی از جمله ارتباطی که اعمال تروریستی با منافع دولت‌ها پیدا می‌کند، در عرصه‌ی بین‌المللی تلاش‌های صورت پذیرفته در تعریف جرم تروریسم به سرانجام نرسیده است (عبدللهی و کیهان‌لو، ۱۳۸۴: ۵۱). در عرصه‌ی بین‌المللی اصطلاح تروریسم برای اولین بار در کنفرانس‌های

یکسان‌سازی حقوق جزا در دهه‌ی ۳۰ قرن بیستم در حوزه‌ی مباحث حقوقی مطرح شد. در ماده‌ی یک متنی که در کنفرانس چهارم یکسان‌سازی حقوق جزا در پاریس به تصویب رسید، تروریسم این گونه تعریف شده است: «هر کس به قصد ایجاد رعب و هراس مردم با به کارگیری مواد منفجره، وسایل آتش‌زا، مین، سلاح گرم یا سایر وسایل تخریب‌کننده و مهلک، اقدام علیه اشخاص یا اموال نماید، یا اقدام به شیوع بیماری‌های مسری انسانی، حیوانی یا دیگر امراض کند، یا قصد ایجاد یا شیوع آن‌ها را داشته باشد و هم‌چنین هرگونه اختلال در خدمات دولتی یا عام‌المنفعه یا اقدام در جهت اختلال خدمات مزبور را داشته باشد، به عنوان تروریست شناخته می‌شود».

در زیر به یکی از تعاریف صورت گرفته از جرم تروریسم اشاره می‌شود که با توجه به شمول آن نسبت به افراد و دولت‌ها، تعریف به نسبت جامعی است: «تروریسم عبارت است از هرگونه خشونت‌ی که دولت یا گروهی سازمان‌یافته آن را به قصد تحقق بخشیدن به انگیزه‌های تبلیغی سیاسی و یا نظامی خود در حق بی‌گناهان... انجام می‌دهد» (بهیج، ۱۳۹۰: ۲۱۵). چرا که خطرناک‌ترین اقدامات تروریستی به وسیله‌ی دولت‌ها به وقوع می‌پیوندد. هر چند این تعریف عمل مرتکبان را فقط به ارتکاب خشونت محدود کرده و تهدید به آن را مورد توجه قرار نداده است، در حالی که به اعتقاد برخی تروریسم بیش از آنکه فی‌نفسه خشونت‌بار باشد، تهدید به عملی خشونت‌بار است، حتی در معنای لغوی تروریسم را به تهدید و ارباب نیز تعریف کرده‌اند (حیب‌زاده، ۱۳۸۶: ۵۲).

در نظام حقوقی ایران تروریسم به‌عنوان جرمی مستقل تا چند سال پیش، یعنی تا زمان تصویب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در سال ۹۴، جرم‌انگاری نشده بود. هر چند ممکن است تصور شود که به دلیل وجود عناوین مجرمانه‌ای مانند محاربه یا بغی، خلأ قانونی ناشی از جرم‌انگاری نشدن تروریسم در حقوق کیفری کشور ما کمتر احساس می‌شده است. با این وجود در تاریخ ۱۳/۱۲/۱۳۹۴ «قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در ۲۲/۱۲/۹۴ شورای نگهبان آن

را تأیید کرد. ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، جرم تأمین مالی تروریسم را با برشمردن برخی مصادیق آن تعریف کرده است. در ادامه همین ماده در طی چهار بند، برخی مصادیق جرم تروریسم احصاء شده است و تشخیص تروریستی بودن یا نبودن آن را به شورای عالی امنیت ملی واگذار کرده است.

جامعه مدنی

اندیشمندان زیادی درباره‌ی مفهوم جامعه مدنی سخن گفته‌اند. تفاوت تعاریف ناشی از ویژگی‌ها و عملکردی است که صاحب‌نظران برای جامعه مدنی قائل شده‌اند. هسته مرکزی این تعاریف آزادی انسان برای انجمن‌سازی و گسترش فرهنگ مدنی است. جامعه مدنی مجموعه سازمان‌دهی اجتماعی، ارادی، مستقل از دولت، قاعده‌مند و خالی از خشونت است که در پی کسب اهداف و منافع مشترک افراد، یا برای بیان احساسات مشترک تجمع‌کنندگان، در عین رعایت حقوق دیگران، برای انجام عمل مشابه برپا می‌شود و مفهومی است که با دموکراسی، توسعه و مدیریت خالی از خشونت و تضادها مرتبط است (علمداری، ۲۰۱۵: ۷۱-۷۰). با توجه به تنوع دیدگاه‌ها درباره جامعه مدنی، تبیین تمام آن‌ها از حوصله و چارچوب موضوعی مقاله حاضر خارج است. بنابراین برای روشن شدن مفهوم جامعه مدنی، بعد از تبیین معنای لغوی آن، به یک تعریف اشاره می‌شود. از نظر لغوی جامعه مدنی معادل *civil society* در انگلیسی یا *civitas* لاتین به معنی جمهور شهروندان است که در یونان قدیم پولیس خوانده می‌شد. پولیس یا سازمان قدرت، در عهد یونان باستان به جامعه‌ای گفته می‌شد که دربرگیرنده‌ی شهروندان ساکنی باشد که از حمایت و محدودیت‌های دولتی برخوردارند (علمداری، ۲۰۱۴: ۲۴-۲۳).

سعدالدین ابراهیم، جامعه‌شناس مصری، در مورد معنای جامعه مدنی می‌نویسد: حداقل تا سال ۱۹۸۵ که دایرةالمعارف علوم اجتماعی تجدید چاپ شد، هیچ اشاره‌ای به واژه

جامعه‌ی مدنی دیده نمی‌شود. این واژه به سده هفدهم میلادی باز می‌گردد که به‌طور وسیع، نظریه‌پردازان قراردادهای اجتماعی از آن استفاده می‌کردند. در اوایل قرن بیستم هم این مفهوم استفاده می‌شد، ولی تنها در اواخر دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی بود که مفهوم جامعه مدنی به‌طور جدی به کار گرفته شد و جامعه مدنی را این‌گونه تعریف می‌کند: جامعه مدنی جامعه‌ای است که افراد بتوانند در آن اندیشه خود را آزادانه بیان کنند و صدای آن‌ها آزادانه شنیده شود که مجموعه‌ای است از سازمان‌های اجتماعی که به‌طور داوطلبانه توسط شهروندان برای پیشبرد اهداف یا منافع مشترک تشکیل شده است (ابراهیم، ۱۹۹۷: ۱۰-۴).

سازمان‌های مردم نهاد

سازمان‌های مردم نهاد^۱، جمعیت‌ها، گروه‌ها و نهادهای انسانی خودجوش و برآمده از بطن جامعه هستند که با فعالیت‌های غیرانتفاعی و داوطلبانه در جهت رفع معضلات اجتماعی و خدمت‌رسانی عمومی فعالیت می‌کنند و برترین امتیاز خود را استقلال از دولت معرفی کرده‌اند. این سازمان‌ها با مشارکت داوطلبانه شهروندان دارای انگیزه، برای فعالیت گروهی در قالب یک ساختار و سازمان منسجم با هدف خدمت برای توسعه و رفاه اجتماعی و توانمندسازی افراد جامعه بدون هرگونه وابستگی به دولت تأسیس می‌شوند.

با توجه به تعریف سازمان‌های مردم نهاد، این سازمان‌ها برابر با جامعه‌ی مدنی نیستند، ولی آن‌ها هم مانند جامعه‌ی مدنی، مستقل و بخشی از جامعه‌ی مدنی‌اند و در نبود یا ضعف جامعه‌ی مدنی، عرصه‌ی فعالیت برای سازمان‌های مردم نهاد به شدت کاهش می‌یابد و در صورت ایجاد، پایدار نخواهد ماند (علمداری، ۲۰۱۵: ۹۲).

پیشگیری

از پیشگیری تعاریف متعددی شده است که می‌توان در نوشته‌های اختصاص یافته در این زمینه دو جهت‌گیری کلی را مشاهده کرد. اولین جهت‌گیری رویکرد موسع به پیشگیری

1. Ibrahim

2. Non governmental organization

است که مطابق آن هر اقدامی در زمینه مبارزه با بزهکاری، حتی پاسخ‌های کیفی و جبران خسارت از بزه‌دیدگان را پیشگیرانه محسوب می‌کند و در واقع فقط به نتیجه توجه می‌شود. دومین رویکرد غالباً در ادبیات جرم‌شناختی مشاهده می‌شود. بر این اساس پیشگیری عبارت است از شیوه‌های غیرقهرآمیز که دولت جهت مهار بزهکاری، از طریق حذف یا محدودسازی عوامل جرم‌زا و نیز از طریق مدیریت مناسب عوامل محیط فیزیکی و اجتماعی که فرصت‌های ارتکاب جرم را فراهم می‌کند، به کار می‌گیرد. در این رویکرد فقط تدابیر قبل از ارتکاب جرم مورد توجه است (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۴۷-۴۳). نویسندگانی که به تعریف پیشگیری پرداخته‌اند هر کدام در چارچوب این دو رویکرد کلی، تعاریف خود را ارائه کرده‌اند. به‌عنوان نمونه موريس کوسن^۱، جرم‌شناس کانادایی، پیشگیری را تنها اتخاذ تدابیر غیرکیفری به‌منظور پیشگیری از تبدیل اندیشه مجرمانه به فعل می‌داند. آنچه بیشتر مدنظر جرم‌شناسان است، رویکرد مضیق است چرا که پیشگیری از طریق تهدید کیفر، از دایره مفهوم پیشگیری در جرم‌شناسی پیشگیرانه خارج است و خطر توجه اتهام عدم فهم این نوع از جرم‌شناسی را افزایش می‌دهد (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۴۸).

پلیس جامعه‌محور

اصطلاح پلیس جامعه‌محور در جهان در دهه ۱۹۸۰ مطرح شد و از دو کلمه پلیس و جامعه تشکیل شده است و در گسترده‌ترین مفهوم خود هر تلاش هماهنگ برای در کنار هم قرار دادن پلیس یک حوزه استحضاطی و افراد غیر پلیس در همان حوزه است (هس و میلر، ۱۳۸۲: ۹۶). پلیس جامعه‌محور فلسفه‌ای است مبتنی بر جامعه که می‌خواهد مسئله به صورت خلاق و ابتکاری با مشارکت شهروندان حل شود و تأکید آن بر افزایش اعتماد و ممانعت از جرم قبل از وقوع است (ترویانویچ و باکوروکس، ۱۳۸۳: ۴).

برای درک بهتر مفهوم پلیس جامعه‌محور نیاز است که تفاوت‌های آن با پلیس سنتی بررسی و تبیین شود که اشاره به آن به‌طور کامل، از چارچوب بحث نظری موضوع

اصلی مقاله خارج است. بنابراین برای روشن شدن این مفهوم به برخی تفاوت‌های پلیس سنتی و جامعه‌محور اشاره می‌شود.

پلیس سنتی مؤسسه دولتی است ولی در رویکرد جامعه‌محوری به پلیس، پلیس مردم و مردم پلیس هستند. نحوه تعیین اثربخشی کار پلیس سنتی، زمان واکنش است و در پلیس جامعه‌محور، جلب مشارکت عمومی. مهارت حرفه‌ای پلیس سنتی، واکنش فوری و مؤثر در قبال جرم است و در پلیس جامعه‌محور، حفظ نزدیکی و صمیمیت با جامعه. قدرت پلیس سنتی در توان تخصصی و سلطه امنیتی است و در پلیس جامعه‌محور، تعامل اجتماعی و حفظ سرمایه اجتماعی (خلیلی اردکانی، رضایی، رحیمی و یوسفوند، ۱۳۹۴: ۱۳۱).

در بررسی‌های به‌عمل آمده در دانشگاه‌ها و مجلات مرتبط و سایت‌های خبری، پژوهش خاصی در این زمینه صورت نگرفته ولی با توجه به اهمیت و سطح گستردگی این موضوع، مهمترین مواردی که می‌تواند ارتباط موضوعی با این پژوهش داشته باشد به شرح زیر مورد اشاره قرار می‌گیرد.

موسوی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی باعنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء سیاست جنایی مشارکتی در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» به بررسی عواملی پرداخته‌اند که زمینه افزایش مشارکت و ارتقاء رویکرد جامعه‌محوری را در نیروی انتظامی ایجاد کند و ارتباط آن با این پژوهش نیز از منظر رویکرد پلیس جامعه‌محور است.

رضوی فرد و معصومی (۱۳۹۷) در پژوهشی باعنوان «جایگاه پیشگیری غیرکیفری از تأمین مالی تروریسم در سیاست جنایی ایران» به بررسی پیشگیری اجتماعی و وضعی از تأمین مالی تروریسم به عنوان تلاشی در جهت پیشگیری از تروریسم پرداخته‌اند. در پژوهش پیش رو نیز جنبه غیرکیفری از تروریسم مورد بررسی قرار گرفته و از این بعد دو پژوهش باهم مرتبط هستند.

امیری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «نقش پلیس‌های تخصصی در مقابله با تروریسم» در بخشی از آن به نقش پلیس جامعه‌محور در پیشگیری از جرم تروریسم اشاره کرده‌اند. با توجه به این که محور اصلی مقاله پیش رو تحقق مشارکت پلیس جامعه‌محور با جامعه مدنی در پیشگیری از تروریسم است، این دو مقاله در این زمینه با هم ارتباط دارند.

مؤذن‌زادگان و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش با عنوان «اقدامات پلیسی - حقوقی مؤثر در مقابله با فعالیت‌های تروریستی» که به‌طور موردی در استان خراسان رضوی صورت گرفته به بررسی مهم‌ترین راهکارهای پلیسی - حقوقی مقابله با تروریسم از دیدگاه مقامات ارشد قضایی و افسران ارشد پلیس استان خراسان رضوی پرداخته‌اند. ارتباط آن با پژوهش حاضر بر پایه جایگاه پررنگ مشارکت پلیس با مردم در پیشگیری از تروریسم است.

بابایی و نجیبیان (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «تعامل پلیس با نهادهای جامعه‌ی در پیشگیری از جرم» به مشارکت بین پلیس و مردم در پیشگیری از جرم اشاره کرده‌اند. در مقاله پیش‌رو نیز زمینه اصلی تحقیق، تحقق چنین مشارکتی در ارتباط با جرم تروریسم است.

بارلی و ویسبرد (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «نقش پلیس در مقابله با تروریسم» به بررسی همه‌جانبه نقش پلیس در مقابله با تروریسم پرداخته و وارد مباحث مشارکتی در این زمینه شده‌اند و از منظر مشارکتی بودن اقدامات پلیس در این پژوهش باهم مرتبط هستند.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی است که به صورت توصیفی - تحلیلی انجام شده و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای بوده که از طریق ابزار فیش‌برداری اطلاعات مربوطه جمع‌آوری شده است تا از این طریق از مطالعه تطبیقی در سایر کشورها نیز بهره گرفته شود. با توجه به توصیفی - تحلیلی بودن

این پژوهش، داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده در پایان مورد تجزیه تحلیل قرار گرفته و بر اساس تحلیل؛ نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی در این زمینه ارائه شده است.

یافته‌ها

پلیس جامعه‌محور به عنوان بخشی از دیدگاه مشارکت چند وجهی در پیشگیری از تروریسم

دیدگاه مشارکت چند وجهی در پیشگیری از تروریسم، طیف وسیعی از شرکایی را ورای مشارکت کنندگان امنیتی سنتی، مانند پلیس، گرد هم می‌آورد. یکی از این زمینه‌ها مشارکت پلیس جامعه‌محور در پیشگیری از تروریسم است. برخی نظریه‌پردازان بر این باورند که دوره اعتقاد به این مسئله که هر چه تعداد پلیس و سرعت عمل آن بیشتر باشد، معضل جرم و ترس از آن حل خواهد شد به سر آمده و جای خود را به دوره‌ای داده که در آن تشریک‌مساعی بین پلیس با مردم فزونی گرفته است. در دوره جدید بهترین شیوه جلوگیری از توسعه جرم، آموزش و اطلاع‌رسانی به مردم جامعه و مشارکت آن‌ها در تأمین امنیت است. با توجه به این که رکن اصلی رویکرد پلیس جامعه‌محور مبتنی بر مشارکت مردم و نهادهای مردم نهاد است، یکی از مهم‌ترین اهداف پلیس جامعه‌محور کاهش احساس ناامنی در بین شهروندان از طریق تشخیص، مدیریت و نظارت بر مشکلات در اجتماع، تقویت تعامل و ارتباط تنگاتنگ با شهروندان و ساکنان به منظور تسهیل حمایت‌های متقابل و ایجاد ظرفیت‌های دفاع از خود در اجتماع است؛ به عبارت دیگر از طریق فعالیت‌هایی چون کار کردن مستقیم با همسایگی یا غیرمستقیم از طریق کمک به شکل‌گیری توانایی نظارت اجتماعی غیررسمی بین ساکنان انتظار می‌رود پلیس بتواند بر مشکلات اجتماعی کنترل و نظارت کند. پلیس جامعه‌محور بر خلاف پلیس سنتی نقش فعالانه‌ای در قبال شناسایی ریشه‌های ناامنی و ترس از جرم در اجتماع بر عهده دارد (همتی، ۱۳۸۶: ۱۴۱).

بر اساس پژوهشی که در این زمینه در استان خراسان رضوی در سال ۹۶ انجام شده، اولویت‌های مقامات قضایی و نیز مدیران و فرماندهان ناجا در مقابله با تروریسم از بین

چهار دسته اقدامات مشارکتی، اجرایی، تقنینی و قضایی به شرح زیر است: از نظر هر دو گروه اولویت اول برای مقابله با تروریسم اقدامات مشارکتی است و سایر اقدامات در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرد (مؤذن‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴)؛ و این به معنی جایگاه ویژه اقدامات مشارکتی در استان مرزی خراسان رضوی در مقابله با تروریسم است. این اقدامات شامل دعوت از ریش‌سفیدان اقلیت‌ها و قومیت‌های مختلف، تعامل و مشارکت با شهروندان، استفاده و بهره‌گیری از مرزنشینان در تأمین امنیت مرزی و سهولت دسترسی به پلیس با افزایش مقرهای پلیسی است.

لازم به ذکر است که علی‌رغم بررسی‌های انجام شده در پژوهش در زمینه نقاط عطف مشارکت پلیس و شهروندان در پیشگیری از تروریسم، دیدگاه‌های مخالفی در این زمینه نیز وجود دارد. در جدول شماره (۱) دیدگاه‌های موافقان و مخالفان این رویکرد ارائه می‌گردد.

جدول ۱- دلایل موافقان و مخالفان پلیس جامعه‌محور

دلایل مخالفان	دلایل موافقان
عدم تقرب و هم‌گرایی سیاست جامعه پلیسی و سیاست امنیت سرزمینی	کمک به سازمان‌های مجری قانون در حمایت از سیاست‌های امنیتی
مرجح نبودن هیچ کدام از دو سیاست جامعه پلیسی و سیاست امنیت سرزمینی بر یکدیگر	ناکارآمدی برخورد صرف نظامی با تروریسم
سیاست جامعه فلسفه‌ای متفاوت از سیاست امنیتی دارد تا بتواند با انواع جرایم محلی به صورت جامعه‌محوری مقابله کند.	کارآمد بودن قدرت نرم در مبارزه با ایدئولوژی تروریسم از طریق آموزه‌ها و مشارکت‌های پلیس جامعه در نزدیکی به گروه‌های آماج تروریست‌ها از جمله حاشیه‌نشینان شهری و مرزی و جوانان و نوجوانان

بر اساس دلایل، موافقان سیاست مشارکت پلیس جامعه‌محور با شهروندان در پیشگیری از تروریسم اذعان می‌دارند که نهادهای پلیسی می‌توانند از ظرفیت‌های پلیس جامعه در پیشگیری از حملات تروریستی از طریق شناسایی گروه‌ها و قومیت‌ها و رصد هرگونه

تحرکات مشکوک تروریستی و به دست آوردن اطلاعات و اخبار شهروندان بهره‌مند شوند، در حالی که مخالفان این دیدگاه به دلایل فوق معتقدند سیاست پلیسی‌گری جامعه گزینه مناسبی برای بهره‌مند شدن در سیاست‌های پیشگیری و مقابله با تروریسم نخواهد بود (بای لی و ویسورد^۱، ۲۰۰۷: ۳۰۲-۳۰۱).

به چند دلیل عمده اتخاذ فلسفه پلیس جامعه‌محور و اجرای آن می‌تواند موجب افزایش احساس امنیت ناشی از پیشگیری از تروریسم شود.

- همکاری و تعامل پلیس با شهروندان، موجب حضور بیشتر پلیس در بین مردم می‌شود و از این طریق نوعی احساس امنیت و فراغ خاطر برای شهروندان ایجاد می‌شود.

- از آنجایی که پلیس به‌طور فعال با مردم همکاری و تشریک‌مساعی می‌کند، موجب افزایش رضامندی شهروندان می‌شود و هر چه میزان این رضایت بیشتر شود، ترس شهروندان از ناامنی کاهش می‌یابد. تحقیقات طولی نشان می‌دهد که پلیس اجتماع دید و نگرش شهروندان نسبت به پلیس را بهبود بخشیده است.

- هنگامی که پلیس با شهروندان از طریق گروه‌های محلی همسایگی، فعالیت‌های نوجوانان، مدارس و ... تعامل می‌کند، این همکاری و مشارکت پیوندهای واقعی بین پلیس و شهروندان را تحکیم کرده و احساس ناامنی را کاهش می‌دهد. مشارکت شهروندان در گروه‌های پایش محل، آموزش نوجوانان و برنامه‌های پاک‌سازی احساس همبستگی اجتماعی شهروندان را افزایش داده و به کاهش ترس و افزایش احساس امنیت کمک می‌کند و موجب تشویق مردم به مشارکت در راهبردهای پیشگیرانه از جرم در محل مانند نگهبانی از محل و گزارش‌های ناشناس از فعالیت‌های مجرمانه شود (فرگوسن و میندل^۲، ۲۰۰۷: ۶۸).

طرح پلیس جامعه‌محور اگر به‌طور مناسب اجرا و پیاده‌سازی شود، مشارکت بلندمدت و محسوسی را در پیشگیری از تروریسم به‌دنبال خواهد داشت. این مشارکت از طریق

ارتباط با اجزای مختلف جامعه مدنی مانند جوانان، زنان، مراکز و رهبران مذهبی، اقلیت‌های قومی، سازمان‌های جامعه مدنی و مشاغل خرد و نیمه کلان محقق می‌شود. راه‌هایی که از طریق آن با کمک پلیس جامعه‌محور به پیشگیری از تروریسم منجر می‌شود را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون: پلیس جامعه‌محور می‌تواند به کاهش نقض حقوق بشر و تضعیف حاکمیت قانون توسط نیروی پلیس و افسران آن کمک کند، عاملی که می‌تواند محرک بسیاری از گلايه‌ها و بیگانگی‌ها در برخی اقشار جمعیتی باشد. اجرای طرح پلیس جامعه‌محور نیازمند توسعه حاکمیت قانون مطابق با موازین حقوق بشری است و حقوق بشر بخشی جدایی‌ناپذیر برای آموزش چنین افسرانی است. نیروهای پلیسی که درگیر مقابله با تروریسم هستند باید مجهز به آموزش‌های لازم در زمینه حقوق بشر برای مقابله با تروریسم باشند.

- توسعه ادراک و تعامل عمومی با پلیس جامعه‌محور: حمایت عمومی از اقدامات مقابله با تروریسم توسط نیروهای پلیس، مبتنی بر میزان درک و تعامل آن‌ها با پلیس دارد. اعتماد عمومی به پلیس صرفاً نتیجه مقبول پلیس جامعه‌محور نیست، بلکه پیش شرطی برای موفقیت آن است. اعضای اجتماع، اعم از زن و مرد، باید به این باور برسند که تلاش‌هایی که برای حفظ امنیت شخصی و عمومی آن‌هاست، واقعی است، این که گفتمان با پلیس ممکن و شدنی است و این که حقوق آن‌ها مورد احترام است.

- افزایش ارتباط با جامعه در مقابله با تروریسم: اجتماع باید ماهیت تهدید از ناحیه تروریسم را درک کرده و بدانند در مواقع بحران چگونه به آن پاسخ داده، چه حقوقی دارد، به چه ارگانی باید گزارش دهد و پلیس برای حفاظت از آن‌ها چه اقداماتی انجام می‌دهد و در همین رابطه پلیس باید اطلاعات را به اشکال مختلف در دسترس قرار دهد، مانند آنکه اطلاعات را به زبان‌های مختلف در دسترس عموم قرار دهد.

- افزایش هوشیاری و مقاومت عمومی: ارائه تخمین دقیق و صحیح از تهدید تروریسم، عنصری حیاتی در موفقیت حمایت جامعه در مقابله با تروریسم است. این نکته بسیار دارای اهمیت است که ماهیت و دامنه تهدید تروریسم نه بزرگ‌نمایی شده و نه بی‌اهمیت انگاشته شود و جامعه باید به واقعیت اخباری که در زمینه تروریسم دریافت می‌کند اطمینان داشته باشد؛ و به همین منظور پلیس و دولت باید با دقت نظر در نیاز به کسب توجه اجتماع بر علیه خطر ایجاد ترس در جامعه و افزایش نگرانی و بی‌ثباتی تعادل برقرار کند.

- افزایش درک اجتماع توسط پلیس به عنوان پایه‌ای برای مداخله بهتر جامعه در مقابله با تروریسم: نیروهای پلیس باید تضمین کنند که افسرانی که با اجتماعات مختلف کار می‌کنند، برای مدت زمان طولانی به این امر اختصاص داده شده‌اند، چرا که این امر امکان درک به مراتب جامع‌تری از آن اجتماعات و اعتمادسازی متقابل را ایجاد می‌کند و در ازای آن مداخله بهتر و مشارکت بیشتری در زمینه مقابله با تهدید تروریسم را فراهم می‌کند. ارزش‌گذاری بیشتر و توسعه پلیس جامعه‌محور و مجهز کردن آنان به آموزش‌های ویژه، به افسران پلیس کمک می‌کند که مهارت‌ها و دانش لازم برای مداخله بهتر و حمایت از گروه‌های ویژه در اجتماع را به دست بیاورند. پلیس جامعه‌محور باید نماینده اجتماع با زمینه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی باشد تا بتواند در زمینه مقابله با تروریسم با گروه‌های خاص از اجتماعات مختلف مشارکت کند.

- کمک به شناسایی موضوعات مرتبط با امنیت اجتماعی و نارضایتی‌ها: دلیل این‌که چرا برخی از مردم و گروه‌ها به افراط‌گرایی و خشونت تمایل پیدا می‌کنند، در بسیاری از موارد مربوط به نارضایتی‌ها و گلایه‌های واقعی و یا تصور شده آن‌ها است؛ مانند نقض حقوق آن‌ها، تجربه تبعیض و نابرابری و سیاست‌های بحث‌برانگیز و ستیزه‌گرانه. مداخله جامعه‌وی و تلاش‌های مشترک در زمینه حل بحران، برای پلیس این فرصت را فراهم می‌کند که نارضایتی‌های عمومی زنان و مردان جامعه که زیربنای بسیاری از

تمایلات افراط‌گرایانه منجر به تروریسم است را شناسایی کند (به‌ویژه زمانی که این نارضایتی‌ها مربوط به خود پلیس باشد).

- تسهیل شناسایی به موقع موقعیت‌های بحرانی: پلیس جامعه‌محور مورد اعتماد از جانب اجتماعی که به آن خدمت می‌کند، در طول فرآیند مداخله ادامه‌دار، بهتر می‌تواند موقعیت‌های بحرانی مبتنی بر وقایع ملموس را که به‌طور بالقوه به خشونت منجر می‌شود، شناسایی کرده و به آن پاسخ مناسب دهد. این موقعیت‌ها می‌تواند شامل نگرانی‌هایی به این شرح باشد: آسیب‌پذیری افراد در مقابل افراط‌گرایی‌های خشونت‌آمیز و به کارگیری به‌عنوان تروریست، درگیری بین جناح‌های مخالف در جامعه، افزایش تنش و درگیری بین گروه‌های مختلف در یک منطقه.

- افزایش ارتباط پلیس با افراد و گروه‌هایی که دسترسی به آن‌ها دشوار بوده و یا هنوز در این قبیل تدابیر مشارکت داده نشده‌اند: داشتن درک بیشتر از اجتماعات، توانایی پلیس را در دسترسی به افراد و گروه‌هایی که به هر دلیل نزدیک شدن به آنان توسط پلیس دشوار است را افزایش می‌دهد. این امر به ویژه در مورد افراد و گروه‌های بی‌اعتماد به حکومت و به حاشیه رانده شده مصداق پیدا می‌کند. این افراد ممکن است شاهد موقعیت‌های نگران‌کننده بوده‌اند و یا در مقابل خشونت‌گرایی‌های افراطی منجر به تروریسم آسیب‌پذیر بوده و یا قربانی آن باشند (او. اس. سی. ای،^۱ ۲۰۱۴: ۸۷-۸۵). در این قسمت با توجه به مطالب مذکور، مزایا و معایب پلیس جامعه‌محور و مشارکت با مردم در امر پیشگیری از تروریسم در جدول شماره ۲ بررسی و مقایسه می‌شود.

جدول شماره ۲- مزایا و معایب پلیس جامعه‌محور در پیشگیری از تروریسم

مزایای پلیس جامعه‌محور در پیشگیری از تروریسم	معایب و خطرات پلیس جامعه‌محور در پیشگیری از تروریسم
درگیر کردن پلیس در احترام به حقوق بشر و پیشگیری از نقض قانون	تمرکز بر اقدامات جامعوی پلیس باعث غفلت از سایر وظایف مهم پلیس می‌شود

افزایش نگاه منظرنانه به افراد جامعه که باعث می شود کمک به افراد نیازمند در این زمینه با مشکل مواجه شود	افزایش درک عمومی و ارتباط جامعه با پلیس و افزایش کیفیت این ارتباط در مبارزه با تروریسم
امنیتی کردن بیش از حد روابط با افراد جامعه	کمک به شناسایی مسائل امنیتی و مظالم موجود در جامعه
ایجاد خطر برای افرادی که در این زمینه با پلیس مشارکت می کنند	افزایش هوشیاری جامعه به دلیل مشارکت با پلیس
اعتماد بیش از حد به پلیس جامعه محور	افزایش درک پلیس از جامعه به عنوان اصلی برای همکاری و مشارکت با آن
اعتماد بیش از حد به افرادی که پلیس با آنها مشارکت می کند، خود ممکن است خطر آفرین باشد.	بهبود روابط بین پلیس با افراد و گروه هایی که دسترسی به آنها سخت بوده و تمایلی به ارتباط با پلیس ندارند.

قلمروهای مشارکت جامعه مدنی در مقابله با تروریسم

همان گونه که بیان شد تروریسم یکی از تهدیدات امنیت انسانی است. عضویت و پیوستن افراد به ویژه جوانان به سازمان های مردم نهاد می تواند زمینه مشارکتی را در جهت گسترش امنیت انسانی فراهم آورد. نکته مهم این است که در جهت گسترش امنیت دو رویکرد وجود دارد. رویکرد انفعالی یا سلبی که با ایجاد فشار و مبارزه با عاملان اخلال در امنیت سعی در ایجاد امنیت دارد و رویکرد ایجابی یا مثبت که با ایجاد بسترهای مناسب به گسترش امنیت می پردازد (رفیعی، صباغ گل و ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۳۵۳). با توجه به این که جامعه مدنی مبتنی بر مشارکت است، از طریق رویکرد دوم می تواند زمینه گسترش امنیت انسانی را فراهم آورند. لازم به ذکر است که گسترش امنیت به شیوه سلبی و انفعالی بیشتر مبتنی بر اعمال مجازات مرتکبان تروریسم و سایر شیوه های نقض امنیت انسانی است.

به طور کلی جامعه مدنی و سازمان های مردم نهاد به دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم (نقش زمینه ساز و نقش عامل گسترش)، در گسترش امنیت و به طور خاص پیشگیری از

تروریسم انسانی نقش دارند. در نقش زمینه‌ساز به‌طور غیرمستقیم (و در روند تحقق اهدافی که آن سازمان بر پایه‌ی آن بنا شده) موجب زمینه‌سازی گسترش امنیت انسانی می‌شوند (رفیعی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۵۳).

زمینه‌هایی را که جوامع مدنی می‌توانند در قالب آن به پیشگیری از تروریسم کمک کنند، می‌توان شامل آگاهی‌رسانی، هویت، قانون‌مندی و مسئولیت‌پذیری دانست. در ادامه نقش جامعه مدنی در زمینه‌های یادشده، بررسی می‌شود که با عنایت به بررسی نقش پلیس جامعه‌محور در پیشگیری از تروریسم، می‌توان حضور چنین پلیسی را در زمینه‌های مورد بررسی در این قسمت مشاهده کرد.

۱- **آگاهی‌رسانی:** یکی از عوامل گرایش به دیدگاه‌های افراط‌گرایانه منجر به تروریسم، ناآگاهی در بین نوجوانان و جوانان و سایر اقشار جامعه نسبت به نفوذ و رسوخ این گونه عقاید است؛ بنابراین یکی از کارکردهای جامعه مدنی، ارتقای سطح آگاهی است که به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم میزان آگاهی را در افراد بالا می‌برند. این جوامع در سه محور حقوق فردی، تهدیدها و مسئولیت‌پذیری می‌توانند آگاهی‌رسانی کنند (رفیعی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۵۶-۳۵۴).

با توجه به این که یکی از نقش‌های پلیس جامعه‌محور در برقراری امنیت، آگاهی‌رسانی در زمینه حقوق بشر و سایر قوانین است، مشارکت پلیس با جامعه مدنی یکی از زمینه‌های مناسب در آگاهی‌رسانی و ایجاد احساس مسئولیت در جامعه در برقراری امنیت است.

۲- **هویت:** یکی از عوامل اثرگذار در ایجاد گرایش‌ها تروریستی بحران هویت است. شخصی که در جامعه‌ی کوچک‌تر شامل خانواده، مدرسه، گروه همسالان و ... و یا در اجتماع بزرگ‌تر به رسمیت شناخته نشده و کمتر دیده شده، نتوانسته هویت اصلی و انسانی خود را بیابد. در چنین شرایطی این گونه افراد برای دیده شدن و از بین بردن

احساس حقارت خود دست به اقداماتی مانند عضویت در گروه‌های افراطی و تندرو، تغییر پوشش و تغییر در نوع گفتار و رفتار و ... می‌زنند.

بنابراین اشخاص و به‌ویژه جوانان با حضور فعال در ساختار جامعه مدنی، با پذیرفتن مسئولیت در قبال سایر اعضای جامعه یا سازمان و با دخالت در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و ملی می‌تواند هویت خود را تثبیت کرده و یا بازیابند که این امر در پیشگیری از پیوستن افراد به گروه‌های تروریستی بسیار مؤثر است.

مشارکت جامعه با پلیس در برقراری امنیت یکی از زمینه‌هایی است که باعث کاهش احساس کناره‌گیری از جامعه و بحران هویت است و زمینه را برای مشارکت فعال اعضا یا گروه‌هایی که دچار چنین بحرانی هستند در جهت مشارکت در برقراری امنیت ایجاد می‌کند.

۳- قانون‌مندی: لازمه تداوم جامعه مدنی پویا پایبندی آن به قانون است، بنابراین افرادی که به عضویت سازمان‌های جامعه مدنی در می‌آیند، باید قوانین آن را پذیرفته و به آن عمل کنند؛ بنابراین نقض ارزش‌های ذاتی مانند حق حیات که در جریان اقدامات تروریستی انجام می‌شود، در چارچوب آن نکوهش می‌شود و افراد معارض قانون جایگاهی در سازمان‌های مردم‌نهاد ندارند و یا نمی‌توانند به عضویت خود ادامه دهند. پلیس جامعه‌محور در زمینه آموزش قانون‌مندی می‌تواند بسیار مؤثر باشد. چرا که با مشارکت جامعه مدنی می‌تواند آموزش قانون‌مندی و رعایت موازین حقوق بشری را از طرق مختلف به شهروندان آموزش دهد. هم‌چنین این امر زمینه پایبندی بیشتر پلیس را به قوانین موجود و موازین حقوق بشری افزایش می‌دهد.

۴- مسئولیت‌پذیری: افزایش احساس مسئولیت به‌ویژه در بین جوانان نسبت به خانواده و جامعه، باعث می‌شود این افراد احساس همبستگی بیشتری با اعضای آن داشته باشند و بیشتر نسبت به حفظ حریم و رعایت چارچوب‌ها و قوانین آن همت گمارند. امروزه خانواده‌ها روز به روز مسئولیت‌های محوله به کودکان و نوجوانان خود را کمتر می‌کنند تا آن جایی

که مشاهده می‌شود در حال حاضر جوانان و نوجوانان در تنها در قبال جامعه مسئولیتی را احساس نمی‌کنند، بلکه هیچ‌گونه احساس مسئولیتی در قبال خانواده خود نیز ندارند. این گونه افراد با قرار گرفتن در شرایط نامساعد، از عواملان مهم اختلال در نظم و امنیت فردی (و اجتماعی) می‌شوند (رفیعی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۵۹).

با توجه به نقش‌هایی که برای پلیس جامعه محور در زمینه پیشگیری از جرم تروریسم وجود دارد، زمانی که پلیس افراد جامعه را در برقراری امنیت مشارکت دهد، هر شهروندی که در این فرآیند مداخله داده شده، احساس مسئولیت بیشتری نسبت به سایر افراد جامعه در این زمینه احساس خواهد کرد که این امر خود بستر مناسبی را برای پیشگیری از تروریسم و برقراری امنیت فراهم می‌کند.

راهبردهای پیشگیرانه

در خصوص چگونگی مبارزه با تروریسم سه راهبرد وجود دارد. راهبرد پیشگیرانه، راهبرد اعمال مجازات قانونی و راهبرد سرکوب. از میان این سه راهبرد، آنچه با بحث حاضر ارتباط بیشتری دارد، راهبرد پیشگیرانه است. راهبرد پیشگیرانه از قدیمی‌ترین راهبردهای موجود است که مبنا و اساس شکل‌گیری کنگره‌های سیزده‌گانه و قطعنامه‌های سازمان ملل تا اوایل دهه‌ی ۹۰ میلادی است. به‌عبارتی در این دوره تمام کشورها و سازمان‌ها نگاه پیشگیرانه به تروریسم داشتند و به‌نحوی می‌خواستند اقدامات تروریستی به منصفه ظهور نرسد، از این رو اقداماتی (سیاسی، فرهنگی، حقوقی و...) انجام داده‌اند که به صورت عمومی در این چارچوب است (افتخاری و شبستانی، ۱۳۹۰: ۱۲-۱۱). در یکی از راهبردهای پیشگیرانه مبارزه با تروریسم که بیشتر به مسائل فرا حقوقی بازمی‌گردد و به بحث حاضر مرتبط است، بیش از آن که به پیش‌دستی در برابر تروریسم اندیشیده شود، به علل و عوامل پیدایش تروریسم و چگونگی برطرف کردن این عوامل توجه می‌شود. این راهبرد در بلندمدت از کلیه راهبردهای دیگر به مراتب پایدارتر و مؤثرتر خواهد بود. موفقیت پلیس جامعه‌محور در امر پیشگیری از تروریسم نیز بستگی زیادی به سرمایه اجتماعی دارد و نیروهای پلیس لازم است که در

راهبردهای پیشگیرانه خود به این سرمایه عنایت لازم را بنمایند. در این زمینه اقدامات زیر در افزایش چنین تعاملی مؤثر خواهد بود: گفتگو، گوش فرا دادن و همکاری با شهروندان؛ بها دادن به افراد جامعه؛ جایگزین ساختن ذهنیت «ما» به جای «ما در برابر آنها»؛ اجازه دادن به جامعه برای شناسایی مشکلات و راه حل آنها؛ ایجاد شوراهای مشاوره مدنی و همکاری با آنها (قهرمانی، ۱۳۹۰: ۲۴).

مقابله با تروریسم از طریق جامعه مدنی در اروپا و ایران

دول کمی در اتحادیه‌ی اروپا طرح‌های ملی مقابله با تروریسم را که توسط سازمان‌ها و نهادهای متعدد و چندگانه اجرا شده باشد، گزارش کرده‌اند. به‌طور کلی هر جا که تدابیر و اقدامات مقابله با تروریسم در برنامه‌ها و گزارش‌های دول عضو قابل شناسایی و مشاهده است، این پاسخ‌ها بیشتر «امنیت-محور» بوده است. دو استثناء مهم در این زمینه انگلستان و هلند است که استراتژی‌های ملی آشکاری در زمینه مقابله با تروریسم دارند که توسط طیف گسترده‌ای از اقداماتی حمایت می‌شود که از طریق نهادهایی (که دارای حداقل ماهیت رسمی هستند)، در همکاری و مشورت با سازمان‌های جامعه مدنی انجام می‌شود.^۱

البته در کشورهای دیگر اروپایی نیز اقداماتی توسط جامعه مدنی در مقابله با تروریسم و دفاع از قربانیان ترور انجام می‌شود. به‌عنوان نمونه انجمن قربانیان تروریسم فرانسه، گروهی کاری باعنوان صدای قربانیان رهبری می‌کند که شبکه آگاهی‌بخشی درباره افراطی‌گری (رادیکالسم)^۲ نام دارد. هدف اصلی این انجمن پیشگیری از افراطی‌گری و تروریسم است. پیر کونسو^۳، نایب رئیس این انجمن معتقد است که فرآیند افراطی‌گری لزوماً به اقدامی خشن منجر نمی‌شود، ولی شواهد و مطالعات علمی نشان می‌دهد که

1. The change institute (2008), Study on the best practices in cooperation between authorities and civil society with a view to the prevention and response to violent radicalisation, a study commissioned by DG JLS of the European commission: 31- 32

2. Pierre Conesa

همه تروریست‌ها، مرحله‌ای از افراطی‌گری را گذرانده‌اند و به همین دلیل است که مؤسسات وابسته به این انجمن باید راهبردی منسجم داشته باشند تا بتوانند به این فرآیند خاتمه دهند.^{۲۱}

در کشور انگلستان پاسخ به چالش تروریسم پیشگیری از خشونت‌گرایی افراطی نامیده می‌شود که در استراتژی مقابله با تروریسم این کشور مقرر شده و نیاز به پیشگیری از تروریسم از طریق مقابله با افراط‌گرایی تک‌تک افراد در محیط خانه و خارج از آن را برجسته می‌سازد. در پی حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا و بمب‌گذاری در سیستم حمل و نقل عمومی لندن در سال ۲۰۰۵، پاسخ‌های پیشگیرانه‌ای به تروریسم در مراحل اولیه واکنش به این‌گونه اقدامات توسط وزارت کشور انگلستان انجام شد که شامل رشته‌ای از تدابیر مشورتی اجتماعی بود که هدف آن توسعه‌ی طرحی شد که پس از آن برنامه‌ی پیشگیری دسته‌جمعی از خشونت‌گرایی افراطی^۴ نامیده شد.

کشور هلند نیز مانند انگلستان برنامه پیشگیری از تروریسم گسترده‌ای را که در آن نقش و حضور جامعه مدنی به چشم می‌خورد، توسعه داده است. این طرح ملی که در پاسخ به نگرانی‌هایی درباره احزاب راست افراطی و افراط‌گرایان حقوق حیوانات ایجاد شد، به تصدی‌گری وزارت دادگستری هلند انجام می‌شود و شامل سه موضع کلیدی است. اولین موضع مربوط به پابندی افراد به جامعه مدنی و دولت مرکزی است. دومین موضع، تقویت و افزایش توان دفاعی است و سومین موضع به سمت افراط‌گرایی زدایی

1. <http://advtnngo.org/article/2502/2502-2,94/1/31>.

۲. به نقل از وب سایت انجمن دفاع از قربانیان تروریسم، تاریخ رؤیت سایت: ۹/۶/۹۸.

۳. رشته‌ای از حملات انتحاری در ساعات بامداد روز هفتم ژوئیه ۲۰۰۵ در مرکز شهر لندن با هدف شهروندان عادی در سیستم حمل و نقل عمومی شهر لندن بود. در این روز ۴ بمب در ۳ ایستگاه مترو و یک اتوبوس شهری توسط ۴ بمب‌گذار انتحاری منفجر شد که به مرگ ۵۲ شهروند انجامید و ۷۰۰ نفر در این حملات زخمی شدند. القاعده مسئولیت این حملات را به عهده گرفت.

4. Preventing Violent Extremism Together (PVET)

از عناصر افراطی در سطح جامعه هدف گذاری شده است. در سال ۲۰۰۸ طرح مبارزه با تضاد و افراط گرایی تا ۲۰۱۱^۱ توسط وزارت امور داخلی^۲ به تصویب رسید. در این طرح سه هدف عمده مقرر شده بود:

- پیشگیری از انزوا و کناره گیری، تضاد و افراط گرایی از طریق تحصیلات و آموزش و ایجاد اشتغال برای آن‌هایی که به روی برگرداندن و کناره گیری از جامعه تهدید می‌کنند؛

- مدنظر داشتن عناصر افراطی در جامعه از طریق دولت و کارشناسان و خلق دیدگاهی فعال در این خصوص؛

- خارج کردن اشخاص از اجتماعاتی که به‌طور صریح ارزش‌های جامعه را نقض می‌کنند و پیشگیری از تأثیر گذاری آن‌ها بر سایرین.

هر چند این تدابیر در سطح ملی است، بیشتر اقدامات در این زمینه در کشور هلند در سطح محلی بوده، به‌ویژه شهر آمستردام از سال ۲۰۰۴ در زمینه مبارزه با افراط گرایی و تروریسم فعال بوده است. مؤسسه مطالعات قومی و مهاجرت دانشگاه آمستردام تحقیقی تحت عنوان «فرآیند افراط گرایی: چرا جوانان مسلمان در آمستردام افراط گرایی می‌کنند؟» انجام داد که در اکتبر ۲۰۰۶ منتشر شد. در حال حاضر شهر آمستردام استراتژی در زمینه مبارزه با تروریسم گسترش داده که سه بنیان اصلی آن به شرح زیر است:

- کاهش زمینه‌های تقویت کننده‌ی افراط گرایی؛ از طریق رسیدگی کردن به تبعیض و تعصب، اشاره به تنوع و گوناگونی ادیان و مذاهب، مدیریت و کنترل رسانه‌ها و افکار عمومی و افزایش سرمایه اجتماعی و جلب اعتماد سیاسی اقلیت‌ها؛

- آن‌هایی که در جست‌وجوی هویت خود می‌باشند؛ تلاش در زمینه‌ی افزایش توان دفاعی آن‌ها در مقابل افراطی‌گری از طریق آموزش و تدابیر اجتماعی (با تمرکز بیشتر بر زنان)؛

- آن‌هایی که علائم و نشانه‌های رفتارهای افراطی دارند؛ سیاست مقابله با تروریسم شهر آمستردام این است که آن‌ها را هدف قرار داده و از گرفتار شدن در چرخه‌ی پیش از افراط‌گرایی منجر به تروریسم خارج کند.

برخی اقدامات اتخاذ شده در کشور هلند در این زمینه که با همکاری و مساعدت و یا به تصدی‌گری جامعه‌ی مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد در این کشور انجام می‌شود، به شرح زیر است:

آموزش انعطاف‌پذیری و نیز آموزش همسان برای جوانان؛ راه‌اندازی پروژه‌هایی با هدف ترغیب گفت‌وگو بین مذهب و جامعه‌ی وسیع‌تر؛ طرح‌های تحقیقاتی برای تقویت درک و فهم وقایع؛ آموزش شهروندی؛ مداخلات و مشاوره‌های کاری اجتماعی جوانان؛ ترویج همبستگی اجتماعی؛ مواد درسی با عنوان «افراط‌گرایی و تروریسم» برای دانش‌آموزان و آماده‌سازی معلمان با ابزار و فنون مناسب برای کمک به کنار آمدن با افراطی‌گری در کلاس‌ها^۱.

در نظام حقوقی ایران، مقابله با جرم تروریسم از طریق دستگاه رسمی عدالت کیفری و بیشتر با اهداف سنتی مجازات‌مانند بازدارندگی عام و خاص مدنظر است به طور کلی نقش جامعه مدنی در فراهم آوردن زمینه‌هایی که بتوان در بستر آن به پیشگیری از تروریسم کمک کرد در چارچوب اقداماتی مانند آگاهی‌رسانی، هویت بخشی و ایجاد حس مسئولیت‌پذیری که در سطور بالا تبیین شد، ترسیم می‌شود. در این زمینه می‌توان به ذکر نمونه‌ای از انجمن‌های مردم‌نهاد که در این زمینه فعالیت می‌کند اشاره کرد:

انجمن دفاع از قربانیان تروریسم از یک سو در مواجهه با اقدامات تروریستی برای خود اهدافی را تعریف کرده و تلاش می کند مشکلاتی را که خانواده های قربانیان و یا خود قربانیان درگیر آن هستند، مرتفع کند و از سوی دیگر با شیوه های فرهنگی، اطلاع رسانی و نمایش آثار و پیامدهای ترور، آن هم از زبان گویای خانواده های قربانیان، با سازمان های تروریستی مبارزه کند.

اهداف این انجمن به شرح زیر است:

- احترام به شأن و منزلت قربانیان تروریسم، به ویژه از طریق فراهم کردن فرصتی برای دیدار با قربانیان ترور دیگر کشورها به منظور همدردی و به اشتراک گذاشتن تجارب خود.
- کمک به قربانیان تروریسم برای بیان خواسته ها و نظرات خود در برابر جامعه، مراجع عمومی، مؤسسات مختلف و رسانه ها.
- وقوف به خطرات و تهدیدهای تروریستی در جامعه و تلاش برای جلوگیری از وقوع مجدد آن ها با ریشه یابی و مقابله با آن.
- توسعه شبکه های ملی و بین المللی برای ارتباط با دیگر انجمن های قربانیان ترور در راستای حمایت از خانواده ها و مقابله با گروه های تروریستی.
- ارتقای آگاهی عمومی درباره ی تروریسم با تکیه بر اظهارات خود قربانیان ترور.
- تدوین راهکاری جهت ملزم کردن دولت ها به همکاری و متعهد ساختن سازمان های بین المللی به مبارزه با سازمان های تروریستی.

انجمن دفاع از قربانیان تروریسم از طریق جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات در زمینه ی تروریسم و تدوین و انتشار اسناد مفید درباره ی قربانیان و ارائه این اسناد در کنفرانس ها و همایش ها^۱، تلاش می کند تا افکار عمومی را از تهدیدهای تروریستی

۱. در همین زمینه انجمن دفاع از قربانیان تروریسم با همکاری هسته پژوهشی گروه حقوق بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی نشستی را با عنوان «عدالت ترمیمی و پیشگیری از تروریسم» در

آگاه کند. راه‌های دیگری که انجمن از طریق آن در زمینه مقابله با تروریسم اقدام می‌کند عبارت‌اند از: امضای تفاهم‌نامه با دیگر انجمن‌های قربانی ترور با هدف کمک به قربانیان تروریسم و ائتلاف برای جهانی بدون ترور، ارزیابی پدیده‌ی تروریسم با توجه به آثار مخرب و پیامدهای آن و افزایش آگاهی عمومی درباره آثار و پیامدهای تروریسم با اشاره‌ی مستقیم به قربانیان آن^۱.

عضویت و فعالیت در سازمان‌های مردم نهاد باعث می‌شود که مسئولیت‌هایی بر عهده افراد گذاشته شود و این امر زمینه را برای افزایش احساس مسئولیت نسبت به افراد آن سازمان و یا حتی نسبت به جامعه فراهم می‌کند و این امر باعث می‌شود که افرادی که گرایش به سمت انجام رفتارهای محل نظم و امنیت، از جمله گرایش‌ها افراط‌گرایانه و اقدامات تروریستی، دارند، از توسل به این اقدامات خودداری کنند.

انجمن دفاع از قربانیان تروریسم نیز در راستای اهداف خود و با به عضویت در آوردن اشخاصی که به نوعی قربانی اقدامات تروریستی بوده‌اند و یا خانواده‌های آن‌ها، از طریق آگاهی‌رسانی نسبت به حقوق قربانیان، ایجاد احساس مسئولیت در خانواده‌های آن‌ها و حتی اعضای گروه‌های تروریستی که از اقدامات خود پشیمان هستند و تمایل دارند نسبت به ترمیم خسارات وارده به خانواده‌های قربانیان و جامعه اقدام نمایند، آموزش پایبندی به قوانین جامعه و قوانین فطری و طبیعی، نسبت به پیشگیری از اقدامات تروریستی که در زمره اهداف این انجمن می‌باشد، اقدام می‌نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق بیانگر این واقعیت هستند که با توجه به رشد روز افزون تروریسم و تنوع شیوه‌های ارتکاب آن، باید به دنبال راه‌های دیگری در کنار واکنش دستگاه

اردیبهشت سال ۹۸ برگزار کردند. در این نشست نقش عدالت ترمیمی در بهبود وضعیت قربانیان و خانواده‌های آنان و نیز پیشگیری از تکرار تروریسم بررسی شد.

۱. به نقل از سایت: <http://advtnngo.org/category/book,12/6/98>

رسمی عدالت کیفری بود که بتواند ریشه‌های گرایش به تروریسم را هدف قرار داده و از بین ببرد. یکی از این راهکارها مبارزه با ایدئولوژی تروریسم است. همان‌گونه که در پژوهش اشاره شد با عنایت به کارکردهای پلیس جامعه‌محور، یکی از مناسب‌ترین بسترها در زمینه مقابله با تروریسم تعریف نقش‌های متناسب با کارکردهای این نهاد است. یکی از این چارچوب‌ها تعامل و همکاری دوسویه پلیس جامعه‌محور با جامعه مدنی است. چرا که پلیسی‌گری جامعوی نقش بسیار مهمی در آگاهی یافتن از مشکلات جامعه دارد و مشارکت این دو نهاد با هم در تعیین و تشخیص عامل‌های خطرناک مشکوک به تروریستی بودن بسیار مؤثر است.

بنابراین می‌توان در این زمینه چارچوب‌هایی را برای مشارکت و تعامل بین پلیس جامعه‌محور با جامعه مدنی بر اساس یافته‌های پژوهش مورد اشاره قرار داد. توجه به نقش پلیس جامعه‌محور و تمرکز بر مشارکت دادن شهروندان با پلیس می‌تواند نقطه عطف چنین مشارکتی باشد. چرا که ماهیت وظایف و عملکرد نیروهای پلیس به گونه‌ای است که در تماس با شهروندان و اجتماعات مختلف هستند و از این طریق می‌توانند به درک و فهم بسیاری از مشکلاتی که ممکن است زمینه‌ساز تمایلات افراط‌گرایانه و تروریسم شود نائل آیند؛ بنابراین یکی از اهداف پلیس جامعه‌محور باید کاهش احساس ناامنی ناشی از تهدید به تروریسم و یا وقوع آن از طریق شناسایی مشکلات و یافتن راه‌حل مناسب برای آن‌ها، تقویت تعامل با شهروندان و تسهیل حمایت‌های متقابل در اجتماع باشد. افزایش ارتباط پلیس با شهروندان و به ویژه ریش‌سفیدان مناطق و یا اقلیت‌هایی که در معرض ارتکاب تروریسم هستند و نیز مرزنشینان یکی دیگر از زمینه‌های مشارکت پلیس با شهروندان است. افزایش آگاهی‌رسانی، کمک به ایجاد هویت بین اقلیت‌ها و جوانان، قانون‌مندی و مسئولیت‌پذیری، به ویژه در مناطقی که کمتر مورد توجه جامعه و دولت قرار می‌گیرند و به نوعی به حاشیه رانده شده‌اند نیز از طریق به مشارکت طلبیدن مردم توسط پلیس

جامعه‌محور محقق می‌شود که کمک شایانی به پیشگیری از گرایش‌ها افراط‌گرایانه منجر به تروریسم دارد. در همین راستا همان‌گونه که اشاره شد بر اساس پژوهش صورت گرفته در این زمینه در استان خراسان رضوی اولویت مقامات قضایی و نیز مدیران و فرماندهان ناجا در مقابله با تروریسم از بین چهار دسته اقدامات مشارکتی، اجرایی، تقنینی و قضایی اقدامات مشارکتی است و سایر اقدامات در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرد.

همان‌گونه که در پژوهش به آن اشاره شد، ایجاد و افزایش چنین مشارکت و تعاملی با چالش‌ها و موانعی روبروست. افزایش تمرکز بر چنین راهکاری، نباید منجر به غفلت از سایر زمینه‌های مقابله با تروریسم، مانند برخورد امنیتی و حقوقی، شود؛ بنابراین ضمن تلاش جهت از بین بردن موانع تحقق چنین مشارکتی در مقابله با تروریسم، سایر راهکارهای مبارزه با آن را نباید از نظر دور داشت که در قالب پیشنهادها زیر ارائه می‌شود.

پیشنهادها

- درک اهمیت این موضوع که حل معضل تروریسم تنها با تدابیر امنیتی و کیفری میسر نمی‌شود و نیاز به تدابیر اجتماعی و فرهنگی با حضور جامعه مدنی و نیز مشارکت جامعه مدنی با سایر نهادها مانند پلیس جامعه‌محور دارد.
- از بین بردن معایب و خطرات حضور پلیس جامعه‌محور در امر پیشگیری از تروریسم مانند امنیتی کردن بیش از حد روابط با افراد جامعه و ایجاد خطر برای افرادی که در این زمینه با پلیس همکاری می‌کنند که خود می‌تواند زمینه را برای تسهیل پیشبرد اقدامات جامعه‌محور پیشگیری از تروریسم فراهم نماید.
- توجه به نقش مشارکتی جامعه مدنی در قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی در زمینه پیشگیری از جرم و به ویژه در زمینه جرایم خشونت‌آمیز و تروریسم.
- فراهم آوردن زیرساخت‌ها و بسترهای مناسب برای حضور پررنگ‌تر جامعه مدنی در پیشگیری از جرم.

- توجه به نقش پلیس جامعه‌محور در امر مشارکت دادن شهروندان با این نهاد در پیشگیری از تروریسم و مقرر کردن این نوع از مشارکت به عنوان راهکاری در زمینه مقابله با تروریسم در قوانین.
- افزایش اعتمادسازی در شهروندان نسبت به پلیس جامعه‌محور.

سپاسگزاری

در پایان به عنوان نویسنده مسئول مقاله از تمام کسانی که در تهیه این مقاله یاری نموده‌اند، به ویژه اساتید محترم راهنما و مشاور خود که با راهنمایی‌ها و نظرات سازنده و مفید، اینجانب را مساعدت کردند، کمال سپاس‌گزاری را دارم.

منابع

ابراهیمی، شهرام. (۱۳۸۸). رویکردهای موسع و مضیق پیشگیری و آثار آن. آموزه‌های حقوقی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۲(۳۲): ۳۷-۵۲. قابل بازیابی از:

<http://ensani.ir/fa/article/189224>

افتخاری، اصغر؛ شبستانی، علی. (۱۳۹۰). راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۲(۱۲): ۵-۳۵. قابل بازیابی از:

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=205596>

امیری، سروش؛ زرگر، علیرضا؛ علاقه‌مند، علی. (۱۳۹۷). نقش پلیس‌های تخصصی در مقابله با تروریسم (با تأکید بر نظریه‌ها). فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، ۳۵(۳۵): ۵۸-۸۵. قابل بازیابی از:

http://journals.police.ir/article_91813_83cc8c9bfadde352ec31ac4126d2cb29.pdf

انصاری، ابراهیم. (۱۳۷۸). نگرشی بر جامعه مدنی در ایران. مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۱ و ۲ (۲۶): ۲۹-۳۸. قابل بازیابی از:

<http://ensani.ir/fa/article/132683/>

بابایی، محمدعلی؛ نجیبیان، علی. (۱۳۸۷). تعامل پلیس با نهادهای جامعه‌ی در پیشگیری از جرم (با تأکید بر تدبیر نظارت شخص ثالث). فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۷ (۷): ۷-۳۱. قابل بازیابی از:

http://cps.jrl.police.ir/article_13452_e328c962ecd9f3d16924f3d62cb74520.pdf

بهیج، ملا. (۱۳۹۰). تعریف و علل و راه‌های مبارزه با تروریسم. مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه، مجمع جهانی صلح اسلامی، تهران، ۲۱۵-۲۲۱. قابل بازیابی از:

iwpeac.com/sites/iwpeac.com/files

ترویانیوچ، رابرت و بانی، باکوروکس. (۱۳۸۳). ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات کاربردی طرح و برنامه ناجا، پلیس جامعه‌محور، تهران: انتشارات فرات.

جلاییان، وجیهه. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی جوانان و امنیت اجتماعی. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ۲۴: ۱۱۷-۱۳۹. قابل بازیابی از:

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=142360>

جمشیدی، علیرضا. (۱۳۹۰). سیاست جنایی مشارکتی، چاپ اول، تهران: نشر میزان. حبیب زاده، محمدجعفر؛ حکیمی‌ها، سعید. (۱۳۸۶). ضرورت جرم‌انگاری تروریسم در حقوق کیفری ایران. فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۲ (۵۱): ۴۷-۷۱. قابل بازیابی از:

<http://ensani.ir/fa/article/8262>

خلیلی اردکانی، محمدعلی؛ رضایی، محمد؛ رحیمی، علی؛ یوسفوند، حسین. (۱۳۹۴). ارزیابی اجرای رویکرد پلیس جامعه‌محور در ایران؛ مقایسه تطبیقی اجرای رویکرد جامعه‌محوری در پلیس ایران و امریکا. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۱ (۱۰): ۱۲۷-۱۵۴. قابل بازیابی از:

<https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=316720>

رستمی، ولی. (۱۳۸۶). مشارکت مردم در فرایند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی). فصلنامه حقوق، ۲ (۳۷): ۱۳۹-۱۷۲. قابل بازیابی:

<https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=65813>

رضوی فرد، بهزاد؛ معصومی، مسعود. (۱۳۹۷). جایگاه پیشگیری غیر کیفری از تأمین مالی تروریسم در سیاست جنایی ایران. فصلنامه علمی پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۴ (۵۲): ۹-۳۲. قابل بازیابی:

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=535765>

رفیعی، فرشاد؛ صباغ گل، منصور؛ ابراهیمی، رعنا. (۱۳۸۸). نقش سازمان‌های مردم نهاد در گسترش امنیت انسانی. مجموعه مقاله‌های همایش بین‌المللی امنیت انسانی در غرب آسیا، بیرجند، ۳۴۵-۳۶۴. قابل بازیابی از:

<http://haajm.ir/images/dl/rafiisabagh.pdf>

شریفی طراز کوهی، حسین؛ فتح‌پور، فاطمه. (۱۳۹۶). الزامات مقابله با تروریسم در پرتو روند انسانی شدن حقوق بین‌الملل. مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۲ (۲۴): ۲۱-۲۴۳. قابل بازیابی از:

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=309488>

• عبداللهی، محسن؛ کیهان‌لو، فاطمه. (۱۳۸۴). سرکوب تروریسم در حقوق بین‌الملل معاصر، چاپ اول، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین ریاست جمهوری. علم‌داری، کاظم. (۲۰۱۵). جامعه مدنی؛ گفتارها، زمینه‌ها و تجربه‌ها، آموزشکده آنلاین برای جامعه مدنی ایران،

قصری، محمد؛ بازرگان، محمد؛ نوروزی، بهرام. (۱۳۹۲). طراحی نظام پلیس جامعه محور با تأکید بر پیشگیری از جرم. پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، ۲ (۲۲): ۳۳-۵۹. قابل بازیابی از:

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=208715>

قهرمانی، علی اکبر. (۱۳۹۰). پلیس جامعه محور؛ نقش مشارکت مردم در پیشگیری از وقوع جرم. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۸ (۱۸): ۷-۳۲. قابل بازیابی از:

http://journals.police.ir/article_13532.html

مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ و همکاران. (۱۳۹۶). اقدامات پلیسی - حقوقی مؤثر در مقابله با فعالیت‌های تروریستی (مورد مطالعه: استان مرزی خراسان رضوی). نشریه پژوهش‌نامه مطالعات مرزی، ۳ (۱۷): ۱-۲۷. قابل بازیابی:

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=345255>

هس، کارن ام؛ میلر، لینداس. (۱۳۸۲). پلیس در اجتماع، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.

همتی، رضا. (۱۳۸۶). پلیس جامعه محور و نقش آن در کاهش احساس ناامنی. فصلنامه دانش انتظامی، ۳ (۳۵): ۱۳۱-۱۴۷. قابل بازیابی از:

<http://ensani.ir/fa/article/132450>

Bayley, D. Weisburd, D. (2009). The role of police in counter terrorism, 81- 99. At Retrieved:

<https://www.researchgate.net/publication/226006212>.

Ferguson, K. M. Mindel, C. H. (2007). Modeling fear of the crime in Dallas neighbourhoods: A test of social capital theory, *Crime delinquency*, 2(53): 322-349. At Retrieved:

<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0011128705285039> <http://advtno.org/article/2502/2502-2>

Ibrahim, S. (1997). The troubled triangle: Populism, Islam and civil society in the Arab world, a paper presented at the 17th world congress of the international political science association, Seoul, 19 (4): 373- 385. At Reteieved:

<https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/019251298019004003>.

Laqueur, W. (1987). The age of terrorism, 1st American ed, At Retrieved: <https://www.amazon.com/Age-Terrorism-Walter-Laqueur/dp/0316514780>.

Office of Coordinator for Counterterrorism (2003), *Patterns of Global Terrorism, 2002*, US Department of State Publication, Washington DC, At Retrieved:

<https://www.ojp.gov/pdffiles1/Digitization/125318NCJRS.pdf>

Organization for Security and Cooperation in Europe (OSCE) (2014), *Preventing terrorism and countering violent extremism and radicalization that lead to terrorism: A community policing approach*, Vienna, At Retrieved:

<https://www.osce.org/files/f/documents/1/d/111438.pdf>

Putnam, R. (1993). *Making Demoracy Work; Civic traditions in modern Italy*, Princeton university press, At Retrieved:

https://en.wikipedia.org/wiki/Making_Democracy_Work

- The change institute (2008), Study on the best practices in cooperation between authorities and civil society with a view to the prevention and response to violent radicalisation, a study commissioned by DG JLS of the European commission, At Retrieved: <https://ec.europa.eu/home-affairs/sites/default/files/doc>





پښتو پوهنتون
پرتال جامع علوم انسانی
پښتو پوهنتون